



گزارش یک زهراچیدری

داشته، اما‌ها نشان می‌دهد تعداد فرزندان سوم و بیشتر در کشور رشدی ۵۰ درصدی را تجربه کرده‌است.اگر کمی جدی‌تر به این آمارها نگاه کنید در می‌بایدهمادان دهه‌شصتی که بین۲۵ تا۴۹سال سن دارند در سال‌های انتهایی باروری خود به سر می‌برند، یا به دنیا آوردن فرزندان سوم به بعد یک جورهایی قهرمان رشد جمعیت کشور هستند و از آخرین ظرفیت‌های باروری خود برای نجات جمعیت کشور بهره می‌گیرند. شاید به همین خاطر است که از نگاه صالح قاسمی، دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت،

این افزایش در صد مرتبه و ولادت سوم به بالا به معنی بهبود شاخص‌های جمعیت‌شناختی نیست؛ او در مواجهه بااین آمار معتقداست بانگاه کارشناسی به‌این آمار در می‌بایم فقط نگرانی‌ها در موضوع کاهش جمعیت حل‌نشده بلکه طی چندسال آینده و با پایان سن باروری دهه شصتی‌ها، روند کاهش تولدها یا

شیب تند تری ادامه خواهد یافت.

سال ۱۴۰۰ بود که قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از سوی رئیس‌جمهور شهید برای اجرایی شدن ابلاغ شد. قانونی که حالا در سال پنجم اجرای خود از نگاه کارشناسان و نمایندگان مجلس چیزی حدود

۵۰ درصد از آن اجرایی شده و بیشترین اثرگذاری آن را می‌توان در کاهش ۵۰ درصدی سقط جنین و رشد ۵۰ درصدی مولدیم ربط با فرزندان سوم به بعد شاهد آن بود. این آمارها اگر چه بر تردید در سطح کلی روی آمارهای جمعیتی تأثیر مثبتی داشته‌اند،اما با کنار زدن رویه ظاهری و نگاه کارشناسانه‌تر به ماجرا می‌توان دریافت رشد مولدیم سوم به بعد در خانواده‌ها فراغ از تأثیر مثبتی که در روندهای جمعیتی دارد، اما آخرین توان جمعیتی مرتبط بامتولدین دهه ۱۳۶۵و با پایان دوران باروری این گروه ممکن است آمارهای جمعیتی سقوطی بدتر از قبل را تجربه کند.

■ **در تباط آمار مولدیم با آمار مادران**

تعداد مولدیم در کشور به دلیل سیاست‌های تنظیم خانواده از سال ۱۳۶۵ با شیب بسیار تند کاهش شد. از سال ۱۳۷۹ و با رسیدن بانوان بر تعداد متولد۱۳۵۷–۱۳۶۵

از ۱۳۶۵ به سن مادری، تعداد مولدیم موقتا افزایشی شد

گزارش ۲ مهساگردینی

شده و برای برخی دیگر رو به پایین است. اندکی دیگر، خانواده‌ها باید زمینه تحصیلی فرزندانشان در پایه تحصیلی بعدی را مهیا کنند. از ثبت‌نام آنها در مدرسه موردنظر گرفته تا خرید کیف و

کفش و کتاب. آنها اما می‌گویند وقتی قرار است مدارس هر چند وقت یکبار به دلایل و بهانه‌های مختلف، مجازی شود، اساسا ثبت‌نام در مدرسه چه معنی می‌تواند دارد. از نسوی دیگر درباره

آسیب‌های این نوع آموزش اشاره می‌کنند، اینکه وقتی دانش آموز، ماه‌ها در خانه، پشت صفحه تلفن همراه یا لب‌تاپ بنشیند، آموزش بیبند، تجربه کافی کسب نمی‌کند. تجربه

از حضور در کلاس درس، از تعامل اجتماعی یا همکلاسی‌ها و همچنین از فضای تربیتی‌ای که نشستن پشت نیمکت‌ها پرایش ایجاد می‌کند.

در میان مجازی شدن پس‌دری مدارس، هر بار و به بهانه‌ای، نهادهای مسئول، تقصیر را به گردن دیگری انداختند. وزارت آموزش و پرورش می‌گوید تنها

تعمیل‌گیرنده نیست و مسئولان دیگری نیز درباره تصمیمی مدارس حق نظر دارند و تصمیم می‌گیرند درست هم می‌گویند. بارها و بارها مسئولان تصمیم‌گیرنده برای مجازی شدن کلاس‌های درس در مقابل پرسش خبرنگاران گفتند که سلامت دانش آموزان، مهم‌تر از آموزش آنها نیست و به همین دلیل است که مدارس، فقط تعطیل می‌کنند. گزارهای که البته، قابل انکار نیست، اما مسئله مهم این است که آیا سلامت روان دانش‌آموزان نیز به اندازه سلامت جسم‌شان مهم شده می‌شود؟! بچه‌ها در اثر تعطیلی طولانی مدارس، ندیدن همدیگر، قطع از تباط مؤثر اجتماعی، حبس شدن در چهار دیواری خانه و تجربه فضای آنلاین خسته‌کننده، آسیب‌های جدی روحی را تجربه می‌کنند. بسیاری از آنها با احساس بی‌انگیزی، بی‌انگیزی و نوعی فرسودگی روانی مواجه شدند، نسلی که نه فقط از آموزش حضوری، بلکه از بخشی از تجربه طبیعی کودکی و نوجوانی خود در کنار همسالان محروم مانده‌است. در کنار اینها اخبار ضدوقتی‌شان درباره زمان برگزاری امتحانات تغییر تاریخ کنکور، باز و بسته‌شدن ناگهانی مدارس و بلاکلیفی

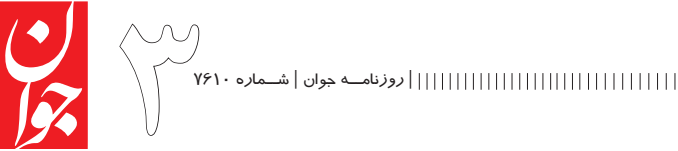
مداوم، فشار روانی گسترده‌ای بر عمده‌دانش‌آموزان وارد کرده‌است. کارشناسان معتقدند اضطراب مزمن، کاهش انگیزه، افت تمرکز و احساس ناامیدی، امروز به بخشی از تجربه تلخ نسل دانش‌آموزان تبدیل شده‌است. شاید آموزش مجازی در دوران بحران، یک راه‌حل اضطراری محسوب شود، اما آیا برای جبران آسیب‌های آموزشی و حتی روانی دانش‌آموزان، برنامه‌های جدی و مؤثری هم وجود دارد؟ بدون پاسخ این سؤال منفی است!

■ **صنعه دیجیتال بسی‌روح جایگزین کلاس درس!**

برای میلیون‌ها دانش‌آموز، مدرسه دیگر نه زنگ داشت،

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۰۶۰۲۲۸۸۵



رشدتولد فرزندان سوم به بعد با آخرین توان جمعیتی دهه‌شصتی‌ها

افزایش درصد مرتبه ولادت سوم به بالا به معنی بهبود شاخص‌های جمعیت‌شناختی نیست بلکه طی چند سال آینده و با پایان سن باروری دهه شصتی‌ها، روند کاهش تولدها با شیب تندتری ادامه خواهد یافت

■ **آخرین تلاش دهه‌شصتی‌ها**
با وجود این نگاه کارشناسانه به رشد مولدیم در فرزند سوم به بعد تفسیر متفاوتی دارد. همچنانکه صالح قاسمی، دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت درباره این تغییر آماری به «جوان» می‌گوید: «در چند سال گذشته ما تغییر را در سطح تولد فرزندان دوم، سوم، چهارم و پنجم شاهد بودیم. به عبارتی در مرتبه ولادت سوم، چهارم و پنجم با افزایش درصدی روبه‌رو بودیم که معنی آن این‌است تعداد فرزندان یک سوم، چهارم و پنجم خانواده بودن افزایش داشته‌اند. این خبر خوبی است و مفهومش این است که تابوی داشتن فرزند سوم، چهارم و پنجم شکسته‌است. به عبارت دیگر داشتن فرزند سوم به بعد سنت‌شکنی نیست و ضد ارزش محسوب نمی‌شود و جامعه به شدت با آن مقابله نمی‌کند و این پیام خوبی است که صد البته محصول مجموعه‌ای از کنشگران حوزه جمعیت‌است.» قاسمی در عین حال معتقداست این افزایش در صد مرتبه ولادت سوم به بالا به معنی بهبود شاخص‌های جمعیت‌شناختی نیست.

وی درباره تفسیرش از رشد تولد فرزندان سوم به بعد اینگونه توضیح می‌دهد: «همزمان که ما می‌گوییم در صد تولد بچه‌های سوم، چهارم و پنجم افزایش پیدا کرده‌است، همزمان هم شاهد شاخص کاهش تعداد تولدهای کل کشور هستیم. یعنی روند کاهش تعداد تولدهای کل کشور همچنان ادامه داشته‌است. از سال ۱۳۹۴ که ما به آمارها نگاه می‌کنیم تا امروز، شاهد کاهش بیش از نیم میلیون تولد بوده‌ایم. این خیلی معنادار است با این توضیحی که داده در واقع ما می‌گوییم این اتفاق، اتفاق خوبی است که در صد تولد مرتبه ولادت سوم به بالا افزایش پیدا کرده‌است، اما در مجموع تعداد تولدها کاهش است. پس در واقع نمی‌توانیم بگوییم که شاخص‌ها بهبود پیدا کردند و شرایط ما بهتر شده‌است. در واقع این خان‌های هده شصتی هستند قبل از آنکه از سن باروری خارج شوند. از آخرین فرستهای باروری شان استفاده می‌کنند و بعضا صاحب فرزند می‌شوند که این خودش یک تعداد فرزند را به‌آرام ماضف می‌کند.

این‌گاه این کارشناس جمعیت برای آنکه مشکل جمعیتی کشورمان حل‌شود باید دو گر مهم را باز کنیم؛ یکی گره‌های اقتصادی و اختصاص وجه برای اجرای تمام و کمال قانون جوانی جمعیت دوم باز کردن گره‌های ذهنی خانواده‌ها که با کمک رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی درست و منطقی امکانپذیر خواهد بود. به کاهش بوده‌است.

■ **نقش مهم مادران دهه شصتی در رشد جمعیت**

روند مولدیم از تعداد زنان متأهل ۲۰ تا ۳۹ ساله بیشترین تأثیر را می‌پذیرد.

۸۷ درصد تولدهای سالانه مربوط به مادران متأهل ۲۹–۲۰ ساله است و کاهش جمعیت آنها دلیل اصلی کاهش مولدیم است. بر اساس آمارها ۶/۹ میلیون نفر

معادل ۶۱/۷ درصد متاهلین به زنان سنین انتهایی (متولدین بعد از ۴۹–۳۵سال) تعلق دارد و تنها ۵/۹ میلیون نفر معادل ۳۸/۳ درصد از متاهلین کمتر از ۲۵سال سن دارند. بنابراین اکثریت زنان سنین باروری بالای ۲۵سال هستند و قانون جوانی جمعیت نیز مانند تمام کاهش سالانه به‌بیش از ۱۷۰ هزار ولادت رسید. از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به‌غم ادامه روند کم‌شدن تعداد مادران، با گفتمان گزارشی از وضعیت اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ناشی از ابلاغ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، روند کاهشی کند شد. ولی در سال ۱۴۰۳ با کم‌رنگ شدن اجرای قانون، مجدداً روند کاهشی سرعت گرفت ولی به شیب قبلی نرسید.

گزارش «جوان» از آسیب‌های کلاس‌های درس که پشت گوشی همراه تشکیل شد

نسل بی‌زنگ مدرسه!

ابراهیم سحرخیز در گفت‌وگو با «جوان»: باید الگوی آموزشی مشخص و منطقی طراحی شود

تا هر بحران، آموزش و سلامت روان دانش‌آموزان را دوباره قربانی نکند



قابل فهم نبود. ما نه معلم بودیم، نه بلد بودیم چطور

آموزش بدهیم»

این روایت‌ها تصویری از نسلی را نشان می‌دهد که بخشی از کودکی و تجربه مدرسه رفتن را پشت درهای بسته خانه گذرانده و به شدت آسیب دیده‌است. بسیاری از والدین نگرانند فرزندان‌شان نه امروز و فردا، بلکه در سال‌های آینده نیز گرفتار تبعات این نوع آموزش شوند.

نگرانی که البته کاملاً بجاست.

■ **هیچ فناوری‌ای جای مدرسه و معلم را نمی‌گیرد**

در حالی که بارها از موفقیت آموزش مجازی و استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی سخن گفته می‌شود، بسیاری از کارشناسان آموزشی معتقدند که مدرسه فقط محل انتقال درس نیست، بلکه فضایی است برای آموزش زندگی جمعی، یادگیری مهارت‌های اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان. موضوعی که به اندازه می‌گوید: «وقتی ساعت‌های طولانی را در خانه گذرانده، بین کلاس‌های آنلاین، بازی‌های موبایلی و تماشای تلویزیون و قشش سیری شده. خواندن و نوشتن بلد است، اما جرئت ابراز وجود ندارد، نمی‌تواند حرف بزند. اینها را هیچ آموزش مجازی‌ای یاد نمی‌دهد.»

خانم ولی‌پور مادر دختری است که پایه چهارم را گذرانده و باید از همراه به کلاس پنجم برود. او درباره تغییرات روحی دخترش این‌گونه توضیح می‌دهد: «در این ماه‌ها، دخترم کم‌حرف شده‌است. قبلاً با دوستانش خوشحال بود، اما حالا رود خسته می‌شود، حوصله ندارد و بیشتر وقتش را در اتاقش می‌گذراند.»

خانم مهدیان نیز که یک دانش‌آموز پایه اول ابتدایی دارد، می‌گوید: «پسرم کلاس اول بود، یعنی پیاپی که همه چیز از آن آغاز می‌شود. بچه باید معلم را از نزدیک ببیند، پای تخته برود، مداد دست گرفتن را یاد بگیرد. اما همه‌چیز به یک گوشی موبایل محدود شد! هر چقدر تلاش کردیم، نتوانستیم با مدرسه و کلاس درس ارتباط بگیرد.» او با نگرانی از احتمال تکرار پایه‌فرزندیش حرف می‌زند: «معاون مدرسه به ما گفته که پسرمان باید پایه را تکرار کند و نمی‌تواند به کلاس سوم برود. مولدیم مجازی برای یک بچه شش، هفت‌ساله اصلا

نادیده گرفتیم. در مدرسه، دانش‌آموزان با انواع و اقسام روحیات و اخلاقی‌ها، کنار هم قرار می‌گیرند و به نوعی، اولی‌پور و به جامعه آماده می‌شوند، اما وقتی کلاس‌ها عمدتاً مجازی شد، این تجربه اجتماعی از بین رفت.»

او معتقد است نظام آموزشی بیش از آنکه نگران وضعیت روحی و تربیتی دانش‌آموزان باشد، بر موضوع آموزش متمرکز مانده‌است: «آموزش و پرورش که فقط دغدغه آموزش داشته باشد و به مشکلات تربیتی و روانی دانش‌آموزان توجه نکند، نمی‌تواند مأموریت واقعی خود را انجام دهد.»

سحرخیز همچنین به تعطیلی سراسری مدارس در شرایط مختلف اشاره می‌کند: «در بسیاری از مواقع، همه کشور را با یک نسخه اداره کردیم. در حالی که شاید در برخی مناطق، به‌ویژه روستاها یا شهرهای کم‌خطر، امکان برگزاری کلاس حضوری وجود داشت. می‌شد اختیار بیشتری به مدیران محلی و استانداران داد تا اگر شرایط ایمن بود، مدارس تعطیل نشوند.»

او تأکید می‌کند تعطیلی‌های بی‌دری مدارس، چه در دوران کرونا و چه به دلیل آلودگی هوا، سسرها یا شرایط دیگر، بدون برنامه جبرانی باقی مانده‌است: «این تعطیلی‌ها روی هم تلنبار شد و به دانش‌آموزان آسیب زد. آسیب‌های روانی و آموزشی ناشی از آموزش مجازی، به این سادگی قابل‌جبران نیست و باید جدی گرفته شود.»

■ **هم عقب‌ماندگی آموزش را جبران کنید و هم آسیب‌های روانی را**

سحرخیز تأکید می‌کند که بحران آسیب‌های‌سال‌های آموزش مجازی، نیازمند یک برنامه ملی و بلندمدت است، برنامه‌ای که فقط بر جبران افت درسی متمرکز نباشد و ابعاد روانی و تربیتی دانش‌آموزان را هم در نظر بگیرد: «آموزش و پرورش باید برای جبران این سال‌ها، بسته‌های تربیتی و آموزشی ویژه طراحی کند. فقط نباید به این فکر کنیم که دانش‌آموز چند صفحه کتاب عقب مانده، باید ببینیم در مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی و روحی چه آسیب‌هایی دیده و چطور می‌شود آنها را ترمیم کرد.» به گفته معاون پیشین وزیر آموزش و پرورش، رسانه‌ها نیز می‌توانند در این مسیر نقش جدی داشته باشند: «رسانه‌ها باید پای کار بیایند و در کنار نظام اجرایی، با تولید برنامه‌ها و آموزش‌های جذاب، به جبران بخشی از عقب‌ماندگی آموزشی و حتی کاهش فشار روانی دانش‌آموزان کمک کنند.»

او معتقد است تجربه تعطیلی‌های گسترده مدارس باید به یک درس جدی برای سیاستگذاران تبدیل شود: «برای سال تحصیلی آینده و حتی سال‌های بعد، باید از حالا برنامه‌ریزی‌شود تا هر بحران طبیعی یا غیرطبیعی، از آلودگی هوا و سرما گرفته تا هر تهدید دیگری، نتواند دوباره وضعیت آموزش را تا این اندازه بحرانی و آشفته کند. کشور باید برای شرایط بحران، الگوی آموزشی مشخص، منعطف و عادلانه داشته باشد، الگویی که هم آموزش را حفظ کند و هم سلامت روان دانش‌آموزان را.»

درس‌لک آفتاب



حتی

اختلافات موجه!

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت آغاز به‌کار مجلس، بیش از آنکه یک متن تشریفاتی برای افتتاح دوره‌ای تازه از فعالیت مجلس باشد، تلاشی برای تنظیم فضای سیاسی کشور در یکی از حساس‌ترین مقاطع سال‌های اخیر بود. در میان محورهای مختلف و متنوع این پیام، جامع، تأکید بر حفظ وحدت و پرهیز از تبدیل اختلافات به نزاع و درگیری، معنایی فراتر از یک توصیه اخلاقی داشت؛ هشدار سیاسی برای روزهایی که جامعه هنوز از تبعات جنگ، التهاب‌های اقتصادی و فرسودگی روانی فاصله نگرفته‌است. رهبر انقلاب فرمودند: «لزام است تک‌تک جان‌فداییی که دلشان برای اسلام و انقلاب با استقلال و سربلندی ایران می‌تپد، از این پس، بیش از پیش برای پاسداری از وحدت صفوف منسجم و به‌هم‌پیوسته ملت اهتمام ورزند و اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنند و قولا و عملاً مظهر انسجام و یکپارچگی ملت باشند، ان‌شاءالله.»

کشور با بعد از عبور از بحران‌های بزرگی نظیر جنگ‌ها معمولاً وارد مرحله‌ای می‌شوند که ظاهر آن آرام‌تر از روزهای درگیری است، اما در عمق، مستعد ایجاد شکاف‌های تازه و لرزه‌هایی بر گسل‌های اجتماعی است. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین تنش سیاسی می‌تواند به یک دو قطبی و سونامی بزرگ اجتماعی تبدیل شود و کوچک‌ترین اختلاف رسانه‌ای، احساس ناامنی روانی را در فضای ذهنی جامعه تشدید کند. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده که هزینه اختلافات داخلی در دوره پساجنگ، گاهی از خود جنگ سنگین‌تر می‌شود؛ چون جامعه‌ای که ماه‌ها در وضعیت اضطراب و فشار زندگی کرده، دیگر ظرفیت کشمکش‌های فرساینده سیاسی و رسانه‌های گروه‌ها و احزاب را ندارد. از همین زاویه باید به فرآزم مهم پیام اخیر ایستاد؛ جایی که از جریان‌های سیاسی، رسانه‌ها و مسئولان خواسته می‌شود اختلافات را به میدان تنازع نکشاند. این تعبیر دقیق معظم له، ناظر به یک واقعیت مهم در عرصه سیاست ایران است. امروز بخش مهمی از فضای عمومی کشور زیر تأثیر رقابت‌های هیجانی، تحلیل‌های عصبی،

صف‌بندی‌های شتاب‌زده و امتداد رقابت‌های انتخاباتی سال‌های گذشته قرار دارد. هر حادثه‌ای ظرف چند ساعت به موضوع نزاع جناحی تبدیل می‌شود و هر اظهارنظری بهانه‌ای برای لشکرکشی مجازی و رسانه‌ای پیدا می‌کند. در چنین فضایی، افکار عمومی به جای دریافت تصویر روشن‌تر از مسائل کشور، مدام در معرض موجی از التهاب و بی‌اعتمادی قرار می‌گیرد. نقش رسانه‌ها در این میان تعیین‌کننده‌تر از همیشه‌است. رسانه‌ا تلویزیون ملی تا روزنامه‌های مختلف و خبرگزاری‌های می‌توانند در روزهای سخت، به بازسازی آرامش اجتماعی کمک کنند و می‌توانند با تیرهای سوگیرانه و تحلیل‌های تحریک‌آمیز، جامعه را خسته‌تر و عصبی‌تر کنند. بخشی از ادبیات سیاسی رایج در سال‌های اخیر، بر پایه تحقیر رقیب و تاول‌زدن بشیم شکل گرفته، ادبیاتی که شاید در کوتاه‌مدت برای یک جریان سیاسی کف و سوت می‌کند. جامعه‌ای که هر روز با دو گنگامازی‌های تند مواجه‌شود، به‌تدریج توان گفت‌وگو و تحمل متقابل را از دست می‌دهد و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که انسجام ملی آسیب می‌بیند. روزنامه‌ها و رسانه‌ها توجه کنند که اعتبار سخنان رهبری، صرفاً یک روز و چند روز نیست و بازنگشت دوباره به وحدت‌شکنی پس از چندروز رعایت، واکنش علاقه‌مندان به رهبر انقلاب را در پی خواهد داشت. انقاب به نقاب، تجاهل بعد از بعثت و تعرب پس از هجرت موردقبول جامعه نخواهد بود.

نمایندگان مجلس هم در آغاز این دوره مسئولیتی فراتر از رقابت‌های معمول سیاسی بر عهده دارند. افکار عمومی از مجلس آینده انتظار دارد به محل تصمیم‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود که به قول رهبری نسبتی ملموس با زندگی مردم داشته باشد، نه صحنه درگیری‌های فرسایشی و تسویه‌حساب‌های جناحی. مردم در شرایط فعلی بیش از هر چیز به نشانه‌های ثبات احتیاج دارند. هر سخن سنسجیده، هر تنش غیرضروری و هر رفتار هیجانی در فضای سیاسی، مستقیماً بر امید اجتماعی و احساس امنیت عمومی اثر می‌گذارد. حفظ وحدت، بر نمایندگان مجلس که مخاطب اول این پیام بودند واجب‌تر از دیگران است.

در این میان، تجمعات خیابانی و فضای کنشگری سیاسی نیز به مراقبت بیشتری نیاز دارد. جامعه‌ای که هنوز درگیر بازسازی روحی پس از روزهای پر تنش است، ظرفیت تبدیل خیابان به میدان رقابت‌های عصبی و شعارهای تفرقه‌افلود را ندارد. اعتراض، مطالبه‌گری و اعلام موضع سیاسی حق طبیعی جامعه‌است، اما وقتی این فضا در اختیار اختلاف‌افکنی‌ها قرار بگیرد، نتیجه آن چیزی جز تعمیق شکاف‌ها نخواهد بود. امروز بیش از هر زمان دیگری باید مراقب بود که هیجان‌های مقطعی و شعارها و پلاکاردهای ضدوحدت، سرمایه‌بزرگ همبستگی ملی را زخربند کند و واقعیت این است که ایران در مقطع حساسی قرار گرفته؛ مقطعی که عبور موفق از آن، بیش از هر چیز به بلوغ سیاسی جریان‌ها و هویت‌شننداری رسانه‌ها وابسته‌است. کشور به فضایی احتیاج دارد که در آن رقابت سیاسی وجود داشته باشد، اما حرمت منافع ملی حفظ‌شود؛ نقد صورت بگیرد، اما آرامش جامعه قربانی نشود؛ اختلاف‌نظر باقی بماند، اما مرز دشمنی و نفرت نرسد. شاید مهم‌ترین بخش پیام اخیر نیز دقیقاً همین باشد؛ هر روز برای خود مرور کنیم که حتی اختلافات موجه را به تفرقه تبدیل نمی‌کنم. حتی موجه، حتی موجه!

محمد

تقدیر سازمان ملل از اینار

امدادگران ایرانی

قائم‌مقام و معاون دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد با تقدیر از عملکرد، اینستاز و فسادکاری امدادگران جمعیت‌انجمن جمهوری اسلامی ایران، گفت: نقش این جمعیت را در امداد رسانی به آسیب‌دیدگان و مدیریت بحران‌های انسانی، مؤثر و ارزشمند توصیف و بر اهمیت توسعه همکاری‌ها، تداوم تعاملات تخصصی و تقویت هماهنگی‌ها تأکید کرد. میان سازمان ملل متحد و جمعیت‌انجمن هلال احمر مشترک است. جماکل در دیدار با رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در ژنو ضمن قدردانی از ارائه مستندات، گزارش‌ها و اطلاعات مرتبط با موارد نقض حقوق بشردوستانه در جنگ اخیر، گفت:روایت‌اقدامات امدادی و مستندات ارائه‌شده از سوی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تأثیر قابل توجهی بر مسئولان این نهاد بین‌المللی گذاشته‌است. پیر حسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران هم در این دیدار، ضمن تشریح ظرفیت‌های گسترده جمعیت هلال احمر در حوزه‌امدادرسانی، پاسخگویی به بحران‌ها، حمایت‌از اقشار آسیب‌پذیر و مدیریت شرایط اضطراری، بر ضرورت توسعه همکاری‌ها و اجرای پروژه‌های مشترک بشردوستانه هلال احمر ایران و نهادهای بین‌المللی تأکید کرد. وی با اشاره به توانمندی‌های تخصصی

و عملیاتی این جمعیت در حوزه امداد و نجات، خدمات درمان اضطراری، اسکان موقت، پشتیبانی لجستیکی و توانست سریع در شرایط بحرانی ظرفیت‌های انسانی و فنی هلال احمر ایران را از مهم‌ترین پشته‌های عملیات‌انسانی ملی و بین‌المللی بر شمرد. با تشریح ابعاد انسانی بحران‌های اخیر و تبیین موارد نقض حقوق بشردوستانه، گزارشی از خسارات انسانی، حملات صورت گرفته علیه فعالیت‌ها و نظامیان، آسیب به زیرساخت‌های امدادی و دشواری‌های امداد رسانی در مناطق بحران‌زده ارائه کرد. وی با تأکید بر ضرورت صیانت از اصول و موازین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، خواستار توجه پیگیری و اقدام مؤثر نهادهای مسئول بین‌المللی نسبت به وضعیت غیر نظامیان، مراکز درمانی و امدادگران در مناطق درگیر بحران شد